

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نښاد تن من مباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

سید هاشم سدید
۰۶ نومبر ۲۰۱۳

کشته شدن محسود، به نفع افغانستان است، یا به نقص اش؟

در اولین نگاه باید دید که حکیم الله محسود، که نام اصلی اش بر اساس نوشته بعضی منابع "ذولفقار" بود، کی بود، چه می خواست و با چگونه افراد و اشخاص یا چگونه گروه ها و حرکت ها رابطه داشت و دوست و دشمنش کی ها بودند. طبق نوشته ها، حکیم الله محسود که ۳۴ سال داشت و به روز جمعه ۲۰۱۳/۱۱/۰۱ در اثر حمله یکی از هواپیما های بدون سرنشین امریکا در وزیرستان شمالی به قتل رسید، یکی از متعصب ترین افراد طالبان پاکستانی و یکی از سرسخت ترین دشمنان امریکا و هر آن حکومت یا گروه و افرادی بود که با امریکا روابط نزدیک دارد و به ویژه در امر مبارزه با تروریسم و سرکوب بنیادگرائی اسلامی با آن کشور همکاری می کند.

محبوبیت وی در میان سائر همفکرانش بیشتر از همه ناشی از تعصب و خشونت و بی رحمی بیش از حد وی نسبت به غربی ها، در رأس آن ها امریکائیان، و افراد، گروه ها و دولت هایی که به نوعی با آن ها یا با متحدین آن ها مناسبات حسنه دارند، از جمله دولت موجود افغانستان، بود.

عوامل دیگر محبوبیت او در میان افراد تحریک طالبان و سائر تندروان اسلامی پاکستان، همچنین طالبان افغان و افراد القاعده، عبارت بود از:

- اعتماد بدون خلل رهبر سابق تحریک طالبان، بیت الله محسود، به او.
- به اسارت گرفتن ۳۰۰ عسکر پاکستانی در سال ۲۰۰۷.
- طرح حمله انتحاری در یکی از مراکز سی. آی. ا. در افغانستان در سال ۲۰۱۰ که منجر به کشته شدن تعداد زیاد انسان ها از جمله هفت نفر امریکائی شد،
- حملات افراد زیر فرمان وی بر وسائط نقلیه افراد و شرکتهائی که اموال مربوط به امریکائیان را از خاک پاکستان به افغانستان انتقال می دادند؛ در زمانی که وی قومندان طالبان پاکستانی در علاقه خیبر، اورکزی و کرم بود.
- بمب گذاری نافرجام در میدان ساعت نیویارک.

یکی از دلایل دیگر شهرت و محبوبیت وی در میان طالبان پاکستانی و افغان و سائر تندروان این بود که منابع امنیتی امریکائی دو بار خبر کشته شدن وی را پخش نمودند، در حالی که محسود زنده بود.

همچنان جایزه پنج میلیون دالری که امریکائیان برای یافتن و دستگیری وی تعیین کردند او را به شهرت زیاد رسانید.

محبوبیت محسود در میان طالبان افغان، اما، ناشی از حمایت بی دریغ محسود و تحریک وی از آن ها در همه زمینه ها و در ابعاد مختلف و وسیع بود. قرار گرفته برخی منابع محسود شخصاً با افراد بسیار نزدیک خویش در چندین عملیات طالبان افغان دوشادوش طالبان علیه دولت موجود افغانستان و علیه امریکائی ها جنگیده است.

دلیل دشمنی محسود با حکومت پاکستان، چنانچه به طور ضمنی در سطور بالا بدان اشاره شد، به خاطر توهم همکاری پاکستان با امریکا در امر ریشه کن ساختن تروریسم و سرکوب طالبان افغان و حمایت از امریکا است که قصد دموکراتیزه کردن یا غربی سازی افغانستان را دارد.

گذشته از این، تمام گروپ های تندرو پاکستانی، به شمول تحریک طالبان، خواهان یک حکومت صد در صد اسلامی در پاکستان هستند و دولت موجود پاکستان را یک دولت اسلامی تمام و کمال نمی دانند.

قانون اساسی فعلی پاکستان تا حدودی زیاد طرف تأیید تحریک طالبان و سائر گروپ های تندرو پاکستانی نیست. یکی از دلایل حمایت گاه آشکار و گاه پنهان احزاب و جماعت های اسلامی و برخی از افسران اردو، به خصوص افسران متعصب مسلمان استخبارات نظامی پاکستان، و نشانیستانی مانند عمران خان از تحریک طالبان و سائر حرکت های تند رو اسلامی در پاکستان، همین مطلب است.

تحریک طالبان پاکستانی و حرکت طالبان افغان در افغانستان و پاکستان را، همراه با افراد القاعده و سائر گروپ های تند رو پاکستانی و همکاران بین المللی شان، امریکائی ها حرکت های تروریستی به حساب می آورند و امروز، بعد از آن که کمونیسم و شوروی، یگانه خطری که امریکائیان در گذشته از آن بیم داشتند، از بین رفته است، همین تروریسم منطقه ئی و جهانی اسلامی است که، آنگونه که گفته می شود، سبب تشویش امریکائی ها گردیده است و از دید آن ها باید از بین بروند.

ناگفته نباید گذاشت که انسان های معتدل و متعادل هم بد شان نمی آید، اگر این گروپ های متحجر و متعصب و تشنه خون انسان و ضد آزادی ها، سرکوب شوند. حال به دست کی، فراقی نمی کند!!

رابطه طالب پاکستانی با طالب افغان، رابطه بسیار نزدیک و صمیمانه است. طالب پاکستانی تا وقتی برای پاکستان درد سری ایجاد نکند، نه تنها این که از جانب پاکستان تحمل می شود، که با تمام امکانات از طرف پاکستان کمک و حمایت نیز می گردد.

پاکستان به وجود تمام دسته های تندرو اسلامی موجود در پاکستان، پاکستانی و غیر پاکستانی، برای پیش برد مقاصد توسعه طلبانه خویش در کشمیر و در افغانستان، نیاز اشد دارد. بنابراین، این کشور هیچ گاه در راستای از بین بردن آن ها کوشش جدی به خرج نداده و نمی دهد.

دلیل برجسته آن پناه دادن بن لادن در پاکستان بود، باوجود وعده های همکاری جدی که این کشور به امریکا در زمینه دستگیری وی داده بود!

طالب پاکستانی هم، باوجود اختلافاتی که با دولت پاکستان دارد، مخالف توسعه قلمرو پاکستان و وسعت یافتن ارتباطات نزدیک و صمیمی و همکاری های هر چه بیشتر میان مسلمانان در این منطقه به رهبری پاکستان نیست.

این موضع گیری طالبان پاکستانی، از آنجا که به نفع کشور پاکستان است، مورد تأیید تقریباً تمام سیاستمداران پاکستان قرار دارد.

صلحی که پاکستان با طالبان پاکستانی امروز از آن حرف می زند و برای ناکام شدن آن به دلیل حمله هواپیمای بدون سرنشین امریکا و کشته شدن محسود یخه پاره می کند، صلحی نیست که در نتیجه آن تحریک طالبان پاکستانی سلاح های شان را بر زمین بگذارند و به کارهای روزانه شان و رسیدگی به امور زندگی عادی خویش بپردازند.

این صلح که از ده سال بدینسو دولت پاکستان برای دست یافتن بدان تلاش دارد، تنها و تنها برای پاکستان سودمند است.

چنین صلی نه این که به سود افغانستان نیست، به دلیل گشوده شدن بال و پر طالب پاکستانی و آرامش خاطر وی از سوی دولت پاکستان، همچنان باز شدن فضائی بیشتر و بهتر برای نفس کشیدن آرام تر پاکستان، به ضرر ما هم تمام خواهد شد.

مطابق این صلح، تحریک مذکور تعهد می کند که منافع دولت پاکستان را علاوه بر این که مورد حمله قرار نمی دهد، مورد حمایت نیز قرار می دهد. چنین توافق و تعهدی از چندین لحاظ به سود پاکستان می باشد.

یکی از این منافع، حمایت همه جانبه و بالتام از حرکت طالبان افغانستان در عرصه سیاسی و نظامی در افغانستان از جانب تحریک طالبان پاکستان است که در حال حاضر، بر اساس برآورد های هر دو حرکت - حرکت طالبان پاکستانی و حرکت طالبان افغان - و هم برآورد های حکومت پاکستان، تنها از طریق جنگ به دست آمدنی است و باید برای شعله ور نگهداشتن این جنگ تمام حرکت های تندرو اسلامی در یک جبهه و برای برآوردن یک مقصد - منافع سیاسی و ارضی و مرزی و بین المللی پاکستان - با هم متحد گردند.

القاعده، از آنجائی که مشکلات خود را در پاکستان، یک کشور بیگانه، در صورت دشمنی با پاکستان، به خوبی درک می کند، هیچ گاهی در صدد دشمنی با دولت پاکستان بر نخواهد آمد.

پاکستان هم فعلاً حضور این ها را به دلیل کمک القاعده به حرکت های دیگر در منطقه و جهان، باوجود رنجش و اعتراض امریکائیان و سائر کشور های غربی، خواسته و ناخواسته تحمل می کند.

اما طالبان پاکستانی بیگانه نیستند. این ها اگر در یک جا با دولت شان مشکل یا اختلافی دارند، درجائی دیگر، مانند حمایت از طالب افغان و گروه های تندروی که در کشمیر به ضد هند فعال هستند، با دولت شان همفکر و همنظر می باشند و از طالب افغان، لشکر طیبیه، جندالله، جیش العدل و شبکه حقانی به همان اندازه ای حمایت می کنند که دولت پاکستان از آن ها حمایت می کند.

با این مقدمه، بر می گردم به جواب پرسشی که به شکل سرخط این نوشته: "کشته شدن مجسود، به نفع افغانستان است یا به نقص اش؟" مطرح شد است.

برای روشن شدن این مطلب، کافیت تنها موضع گیری پاکستان را در قبال افغانستان در نظر بگیریم. موضعگیری پاکستان از بدو تأسیس این کشور بنابر دلالتی که ذکر آن از جمله زوائد خواهد بود، همیشه خصمانه بوده است.

این کشور هیچ وقت نخواسته است که در افغانستان آرامش حکمفرما باشد و مردم افغانستان با آرامی و اتحاد به کار عمران و آبادی و توسعه و نیرومندی کشور شان سرگرم باشند. همیشه سر راه افغانان سنگ انداخته و همیشه کوشیده است بین آن ها نفاق و دوئی گری ایجاد کند.

پناه دادن ربانی و مسعود و گلبدین و دیگران در سال های حکومت محمد داوود خان، چندین پارچه ساختن مخالفین رژیم دست نشاندۀ شوروی وقت، مقیم آن کشور و ...، آغاز شکل جدی و کاملاً علنی این نیت نابکارانه پاکستان بود که اینک در وجود غرق در خون و خیانت طالب سختگیر و از جهان بی خبر افغان ظهور نموده است.

مولانا سمع الحق که به نام پدر طالبان معروف است و مدرسه حقانی خویش را دانشگاه جهاد می خواند و ملا محمد عمر را یک فرشته می داند، در حدود پنجاه روز پیش طی یک مصاحبه ای راجع به طالبان افغان گفت: "یک سال به آنها وقت برای تنفس بدهید و انگاه آنها همه افغانستان را شاد خواهند کرد. آنها همه افغانستان را به تسلط خود در خواهند آورد. طالبان مقام نمی خواهد. آنها تنها می خواهند سیستم را به روش بهتری تغییر دهند. آنها آزادی می خواهند، اما به آنها این اجازه را نمی دهند. وقتی امریکائی ها از افغانستان بروند همه این اتفاقات در ظرف یک سال روی خواهد داد. البته اگر امریکائی ها واقعا افغانستان را ترک کنند."

به مصداق این سخن که دوست، دوست، دشمن است، طالب افغان که دوست پاکستان است و مورد حمایت آن کشور قرار دارد، با در نظر داشت این واقعیت که پاکستان نتوانسته است در طول موجودیتش با ما حیثیت یک دوست را داشته باشد، باید دشمن مردم افغانستان باشد.

بر اساس همین منطق می توان حکم کرد که تحریک طالبان پاکستان و سمع الحق ها هم، چون روابط بسیار دوستانه ای با طالب افغان دارند و از هیچ نوع کمک به طالبان افغان روگردان نیستند، باید در جمله دشمنان مردم افغانستان به حساب آورده شوند.

نتیجه این که، هر عملی که سبب تضعیف دشمن می شود، به نفع ماست. من شخصاً خواهان آن هستم که این دستان دراز پاکستان، خواه طالب افغان، خواه طالب پاکستانی و خواه یاران و همکاران و حامیان شان که بیشتر از طالب افغان در افغانستان مرتکب انفجار و انتحار و قتل و ترور و اختطاف مردم و دسیسه و توطئه شده اند، در هر شکل و شمائی که هستند، باید از زندگی ما کوتاه شود.

به فکر من، هر قدر دشمن ضعیف شود، ضریب توانائی های ما به همان اندازه بالا می رود. چقدر تأسف آور است که کشور ما امروز به دست سیاستمدارانی افتاده است که به جای این که به فکر اعتلای افغانستان و رفاه و غرور مردم آن باشند، به فکر گروه های تروریستی و آدم کشانی که هزاران هموطن ما را با وحشت و قساوت تمام سر می برند، پارچه پارچه و نابود می کنند، هستند؛ و در مرگ محسود قریب است اشک بریزند. فکر می کنم دوازده سال از صلح حرف زدن و جوابی نگرفتن، برای انسان هائی که خود را فریب نمی دهند، یا انسان هائی که پیرامون مسائل کمی عاقلانه فکر می کنند، بیشتر از آن است که هنوز هم به کسانی دل خوش کنند و انتظار معجزه را داشته باشند.

راه رسیدن به یک افغانستان آزاد و آباد، افغانستانی که در آن مردم در صلح و صفای زندگی کنند، بدون شک و تردید، هرگز از طریق پاکستان عبور نمی کند!!

کرزی می گوید که کشته شدن محسود بی وقت بود! چرا کشته شدن وی بی وقت بود؟ این آقا نمی داند که با امضای توافقنامه صلح میان تحریک طالبان پاکستانی و دولت پاکستان، دست هر دو برای کمک و حمایت طالب افغان باز تر می شود و در نتیجه آتش جنگ در کشور ما شعله ور تر می گردد؟؟

درست است که عکس العمل - انتقامگیری - تحریک طالبان پاکستانی، و طالبان افغان را که این آقا می خواهد به نوعی همدردی خویش را با آن ها نشان بدهد، نباید از نظر دور داشته باشیم، اما ای کاش چنین ملاحظاتی به قطع سلسله کشتن و بستن و بردن و مثله کردن و انفجار و انتحار و راه گیری و جنگ و اختطاف و اخاذی از یکطرف و خدمت به دشمنان خونی خاک و مردم ما بینجامد!!

اگر با چنین اظهارات و نشان دادن همدردی با طالب، چه طالب افغان و چه طالب غیرافغان و چه دولتمردان پاکستان، امکان نرم شدن یا سر عقل آمدن ایشان وجود می داشت، من به همه سیاستمداران افغان، با هر نوع سابقه ای که هستند، حق می دادم که کشته شدن محسود را به سود افغانستان نخوانند، یا آن را بی وقت بدانند، اما تجربه نشان داده است که چنین تصور و امیدواری درختی نیست که از آن انتظار بار و ثمری برده شود.

خر سیاه سیاست پاکستان و نوکران درون و بیرون پرده آن را اگر با هزار، هزار من صابون هم بشوئید، باز هم همان خر کتیف، سیاه و لگد پرانی که بوده، باقی خواهد ماند.

لطفاً نه خود را فریب بدهید، و نه روز مردم ما را با چنین امیدواری های کاذب و بی ثمر گم کنید!

و اما در مورد تندروان جنگ طلب متعصب ضد آزادی های قراردادی و بنیادی انسان، باید گفت که از بودن کسانی که در صدد آن هستند که افغانستان را به تاریک ترین سال های قرون وسطی ببرند، به نظر من، نبودن شان بهتر خواهد بود.

۲۰۱۳/۱۱/۰۴